

منت خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربتست و به شکر اندرش مزید نعمت  
هر نفسی که فرو می رود ممد حیاتست و چون بر می آید مفرح ذات پس در هر نفسی  
دو نعمت موجودست و بر هر نعمتی شکری واجب.

از دست و زبان که برآید      کز عهده ی شکرش بدرآید  
اعملوا آل داود شکرا و قلیل من عبادی الشکور.

بنده همان به که ز تقصیر خویش      عذر به درگاه خدای آورد  
ورنه سزاوار خداوندیش      کس نتواند که به جای آورد  
باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده پرده  
ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی بخطای منکر نبرد.

ای کریمی که از خزانه غیب      گبر و ترسا وظیفه خور داری  
دوستان را کجا کنی محروم      تو که با دشمن این نظر داری  
فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین